

آموزه‌های تشیع در منظومه فکری گلدزیهر

عبدالرفیع رحیمی*

چکیده

آموزه‌های تشیع در آیین اسلام از جمله مسایل بحث برانگیزی است که ملل و نحل نویسان و نظریه‌پردازان جهان غرب و اسلام را به خود مشغول داشته است. این پژوهش برخی از مفاهیم کلیدی تشیع را در اندیشه‌های گلدزیهر و برداشت خاص او را درباره آموزه‌های آن بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که دیدگاه گلدزیهر از ریشه‌ها و بن مایه‌های منابع اصیل تاریخی و مذهبی تراوش کرده یا محور دیدگاه وی یهودی‌گری و تورات‌انگاری یا حداقل غرق شدن در منابع و مصادر غیرشیعی است؟ فرضیه نگارنده بر آن است که اگرچه تلاش شده مبانی تحقیقاتی گلدزیهر بر اساس روش علمی عنوان گردد، لکن تأثیرپذیری وی از محیط و منابع یهودی و لاقول غیرشیعی نیز خالی از گفتگو نیست. یافته پژوهش نشان می‌دهد که انشعاب‌پذیری دنیای اسلام و گرایش به مباحث ویژه چون: امامت و مهدویت تا حدی دامن زدن به طرح شبهات فرقه‌ها و نحله‌های متعدد است با این همه باید اذعان نمود در پاره‌ای جزئیات نگاه ایشان بدین نتیجه می‌رسیم که دست‌کم مبنای وجود مباحث موردنظر گلدزیهر چون تقریب آیین و تفکر شیعی با دیگر فرقه‌ها و گروه‌ها مانند تأثیر ایرانی‌گری و خاصه معتزله واجد حقیقت است.

کلیدواژه‌ها: گلدزیهر، تشیع، امامت، مهدویت، ایرانی‌گری.

*استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین. aghabeigom@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

در پژوهش حاضر با توجه به زندگینامه و زمینه شرقشناسانه گلدزیهر و نگاه او، به مسایلی چون ماهیت تشیع و اندیشه های مربوط به امامت، مهدویت، تأثیر ایرانی گری و جوانب مختلف آن پرداخته می شود. زیرا تفکیک دقیق میان آرای فرقه های متعدد شیعی از مشکلات چالش برانگیز و در مواقعی خلط مبحث برخی شرق شناسان است با این همه دیدگاه های خاورشناسانی همچون گلدزیهر در مجموعه مطالعات و پژوهشهای وی در پردازش تفکرات امامیه از اهمیت خاصی برخوردار می گردد. درباره پیشینه موضوعات فوق مقالات و نوشته های متعددی موجود است که هر یک تلاش داشته اند از نقطه نظرات ایشان ولو به شکل اشاره ای درباره روایات، حدیث و امثال آن به دیده نقد و اطلاع رسانی بنگرند. مقالاتی چون: درآمدی بر مطالعات حدیثی خاورشناسان از مهریزی که بیشتر ضمن تعریف استشراق برخی مصادر شرق شناسی را معرفی کرده و از آن جمله به کتابهای گلدزیهر نیز اشاره داشته است. خاورشناسان و فرقه شناسی از نوری و مقاله نقد و بررسی دیدگاه های گلدزیهر پیرامون سبک تفسیری شیعه از محمد جواد اسکندرلو، شهاب کاظمی و سحر حیدری که بیشتر به نقد و نگاه تفسیری از مصحف عثمانی پرداخته و با بررسی آموزه های مقاله حاضر ارتباط چندانی ندارد یا کتبی مانند محاکمه گلدزیهر صهیونیست از غزالی مصری اگرچه بیشتر دریافتهای اشعری گرایانه دارد لکن محتوای کتاب از اصالت خاصی برخوردار است و نامبرده در برخی موارد سوزمندانه به نقد دریافتهای گلدزیهر خاصه مباحث شبهه آمیز ایشان در طرح اختلاف افکنیها پرداخته و از این جهت قابل استفاده است. پایان نامه ای هم با عنوان بازگام دیدگاه سته در مورد سیره نبوی در آثار مستشرقان (گلدزیهر، وات، لامنس) که بیشتر به تأثیر پذیری اینان از منابع اهل سنت پیرامون سیره نبوی پرداخته است و ارتباط چندانی با پژوهش حاضر ندارد و برخی مقالات دیگر، لکن تلاش نگارنده بر آن است تا به صورت فشرده اهم دیدگاه های وی پیرامون موضوعات کلیدی تشیع، خاصه تأثیر پذیری آن از برخی نکات پیرامونی و محیط اطراف را روشن کند. نقطه تمایز نوشتار حاضر این است که نگاه گلدزیهر به مفاهیم محوری تشیع را در سایه ترکیب روش علمی و گرایش یهودی او مورد بررسی قرار دهد.

۲. مختصری در باب گلدزیهر (ignaz Goldziher)

آنگونه که از مجموعه های تاریخی و زندگی نامه نویسی برمی آید گلدزیهر در سال ۱۸۵۰ م. در شهر اشتولویسنبرگ (Szekesfehervar) مجارستان دنیا آمد. در ۵ سالگی متون عبری عهد عتیق را خواند و در ۱۲ سالگی، اولین تک‌نگاری خود را نوشت و به آلمانی منتشر کرد. در ۱۶ سالگی در دوره‌های آموزشی ادبیات باستانی، فلسفه و زبانهای شرقی در دانشگاه بوداپست شرکت کرد (Goldziher, 1981: vii & Ormos, 203: 2005). او پس از اخذ دکتری در لایپزیک در ۱۸۷۰ م. مطالعات شبانه‌روزی‌اش را ادامه داد. در آن زمان او دستورالعمل‌های استادش «فلیشر» را دنبال کرد و بیشتر به مطالعه زبانشناسی عربی کشیده شد. هرچند اعتراف او به خوبی مشخصه همه تمایل علمی اوست که می‌گوید: «من بیشتر از جنبه تاریخی اغوا شدم تا جنبه اثبات‌گرایانه» (Devenyi, 1994: xi). (از سپتامبر ۱۸۷۳ م. تا آوریل سال بعد) مدتی را در قاهره اقامت گزید و آن‌گاه به سوریه و فلسطین سفر کرد. وی در راستای کسب امور علمی توانست در بعضی از کلاسهای «الزهر» حاضر شود (شینی میرزا ۱۳۸۵: ۱۱۷). در ۱۹۰۴ م. بود که به استاد تمامی در دانشگاه بوداپست منصوب شد. وی در ۱۹۲۱ م. درگذشت (Goldziher, 1981: ix-x & Hidvegi, 2005: 75).

مجموع تحقیقات او شامل ۵۸۲ تا ۵۹۲ فقره می‌شود (زمانی، ۱۳۸۵، ۸۲) برخی از نوشته های وی تحت عناوینی مانند: پژوهش‌های اسلامی؛ درس‌هایی درباره اسلام؛ نخستین کسی که گفتگو در باب امام غزالی را آغاز کرد، گلدزیهر است که با یافتن نسخه‌ای خطی از «فضائح الباطنیه» غزالی، بخش مهمی از کتاب را انتشار داد (محبوب ۱۳۶۵: ۶۱۶)؛ گلدزیهر در سال ۱۹۰۸ م. مامور شد کتابی درسی درباره تاریخ ادبیات عربی برای دبیرستان‌های مسلمان ایالات سابق عثمانی (بوسنی و هرزگوین) بنویسد (Goldziher, 1966: v)؛ پژوهشهای او که به نوعی می‌تواند به جادوگری مربوط شود، به خوبی سهم او را در پیشرفت مطالعات «جادوگری در اسلام» نشان داد (Fodor, 2005: 51)؛

یکی از اولین مقالات -نامهای خورشید و ماه در زبانهای سامی- توسط گلدزیهر جوان، کوششی قابل توجه را در ترسیم نمای کلی زمینه فرهنگی ریشه‌های سامی مشترک نشان می‌دهد (Takacs, 2005). گلدزیهر دو پژوهش پیشروانه درباره جنبش «شعوبیه» و تنشهای بین عرب و غیر عرب (عجم) در دوران نخستین اسلامی، منتشر کرد. (Larsson, 2005: 151)؛ در یکی از مهمترین مطالعات گلدزیهر، وی تصویری

واضح و گسترده از یک جنبه پدیده چند جانبه «برخورد علوم و فلسفه یونانی در اسلام» ارائه می‌دهد. (Strohmaier, 2005: 251) مکاتبات گلدزیهر تقریباً ۱۳۶۰۰ نامه است و اکنون در مجموعه شرقی کتابخانه آکادمی علوم مجارستان حفظ می‌شود (Ormos, 2005: 159).

وسعت مطالعات وی، موجب گردیده است تا نویسندگان مسلمان و غیر مسلمان تفکرات ایشان را به بوته نقدگذارند. برخی معتقدند وی این مطالعات را با قضاوت درست تلفیق کرد (وات ۱۳۷۰: ۹)؛ یا نابغه‌ای با مقامی استثنایی بود که بعنوان یک شرق‌شناس مجاری مشهور، یکی از بنیانگذاران مطالعات اسلامی مدرن شناخته شده است (Apor, 2005: 9)؛ او با تسلط کامل بر هر دو فرهنگ، مرزهای مشترک اسلام و یهودیت قرون میانه را - با بصیرتی عمیق - مورد بررسی قرار داد، بدین ترتیب درک بهتری از زندگی و علم یهودیان در قرون میانه به ما ارائه می‌دهد. (Beeri, 2005: 15)؛ در دوره‌ای که تبادل فکری بین پژوهشگران عرب و غیر عرب اغلب با ایده منفی «شرق‌شناسی» مختل شده بود، یکی از این پژوهشگران گلدزیهر است که در طول حیاتش با بیش از ۱۵۰۰ نفر مکاتبات داشت. بسیاری از نامه‌ها توسط پژوهشگران عرب نوشته شده بود (Devenyi, 2005: 21)

برای دین‌پژوهان مسلمان گلدزیهر نامی آشناست، اما این آشنایی تلخی است زیرا به نام علم و یافته‌های علمی، مفروضات خود را به خواننده تحمیل می‌کند (اسلامی ۱۳۸۳: ۲۵) برخی نیز معتقدند نوشته‌های گلدزیهر در مورد اسلام، قرآن و شیعه دارای سه مشکل کلی است: ۱- روش تحقیق نادرست ۲- بهره‌گیری از سندهای غیر معتبر ۳- تناقضات فراوان (شیخ مونسی ۱۳۸۹: ۵۶)؛ یا این بحث کلی که اذعان داشته اند گلدزیهر در دشمنی با اسلام شهره است و درباره اسلام نظریاتی مغرضانه و دور از واقعیت مطرح کرده است (پیشوایی ۱۳۸۵، چکیده) از دیدگاهی دیگر گلدزیهر نقش به‌سزایی در ترویج شبهات مربوط به اسلام، رسول خدا^ص، قرآن و حدیث در جهان داشته است. اگرچه در پژوهش‌های قرآنی خود وامدار «تئودور نولدکه» است (پورطباطبایی ۱۳۸۶: ۱۹۳)؛ یکی از حوزه‌های مطالعاتی مستشرقان که بیشتر با طرح شبهه و ایراد همراه بوده، حوزه مطالعات حدیثی است و در این میان به نظر می‌رسد بیشترین تاثیر-گذاری را گلدزیهر دارد (حیدری ۱۳۸۷، چکیده) چرا تصویر گلدزیهر در جهان اسلام آنقدر بد است. در حالی که دیدگاهی که او خود از اسلام داشت روی هم‌رفته تاحدی مثبت می‌باشد؟ ادراک او از اسلام -سنتایش نامحدود- در بخش مقدمه دفتر خاطرات

پیش می‌آید (Van Ess, 2005: 37)؛ گفتمان غالب بسیاری از مستشرقان بعد از گلدزیهر، گفتمان شکاکیت در اعتبار بخشی به روایات است. این موج در حال حاضر به گونه‌ای فراگیر شده که حتی گفتمان مطرح در دایره المعارف اسلام را نیز دربر گرفته است (جان احمدی ۱۳۹۲- چکیده) گفتن این موضوع پیش‌پا افتاده شده است که تحقیقات علمی فرهنگ اسلامی و عربی - هم مدرن و هم سنتی - بیش از هر کس دیگر به گلدزیهر مدیون است (Hopkins, 2005: 83) یکی از شاخه‌های پژوهش اسلامی قرون وسطی که گلدزیهر در بعدی قابل توجه بر آن توقف می‌کند، رشته علمی «علم الانساب» است (Szombathy, 2005: 255) گلدزیهر رنج می‌کشد تا از اعتبار و اصلیت اسلام در برابر بدگویان آن از خارج و در برابر آنها که می‌کوشیدند از درون آن را تحریف کنند، دفاع کند (Goldziher, 1981: ix)

۳. تشیع در اندیشه گلدزیهر

نکته مهم در جنبش‌هایی که در صدر اسلام منجر به نخستین دسته‌بندی‌های مذهبی گردید، آن بود که با آن اندیشه‌های مذهبی بستگی یافت که در همان عربستان روییده بود و چون این اندیشه‌ها در اثر آمیختن با عوامل خارجی و عناصر ایرانی گسترش یافته نیرومند شد، به خوبی توانست به دسته‌بندیهای مسلمانان رنگ مذهبی دهد. از همان آغاز طرح مساله جانشینی در میان یاران بزرگ، گروهی از چگونگی انتخاب سه خلیفه نخستین، ابوبکر، عمر و عثمان به سبب مراعات نشدن نزدیکی با خاندان پیغمبر ناخرسند بودند. این گروه ترجیح می‌دادند که علی برای جانشینی برگزیده آید که پسر عم او و نزدیک‌ترین خویشاوندانش و اضافه بر آن، شوهر دخترش فاطمه بود (گلدزیهر ۱۳۵۷ ج ۲: ۴۳۸، ۴۳۹).

لذا اسلام به دو بخش سنی و شیعی تقسیم شد. انشعابی که اعتراض شیعیان و مقاومت ایشان پدید آورد به مساله حکومت بستگی دارد. هر بار که غاصبان ظلمی بر حقوق اهل بیت روا می‌داشتند، افراد این گروه به مقاومت پرداخته «حق الاهی» علی و فاطمه و اهل بیت را به رخ آنان می‌کشیدند (همان: ۴۶۶، ۴۴۷) از نگاه وی ادبیات شیعه چشمه خشکی‌ناپذیر داستان «رنجهای اهل بیت» است. پیش‌بینی مصیبت‌هایی را که بر سر خاندانش خواهد آمد، به خود پیمبر نسبت داده‌اند. از طرفی جنبش شیعیان بر تبلیغات مخفی تکیه داشته است؛ تبلیغات ایشان را محیطی اسرارآمیز، خدعه و سالوس و دیگر لوازم پنهان‌کاری و ترس از خطرات فراگرفته بود. خطرهایی که همیشه سران شیعه را

تهدید می‌کرد. در محیط ایشان، اندیشه اخلاقی ویژه‌ای پدید آورد. این اندیشه در آغاز کار از شیعه پدید نیامده است، ولی شیعیان آن را از اصول اساسی خود نهاده، واجب حتمی شمردند. این اندیشه در واژه «تقیه» خلاصه می‌شود (همان: ۴۵۶، ۴۵۷). همچنین تبراً و نفرین بر دشمنان نزد شیعه فریضه‌ای مذهبی است. کسی که در آن کوتاهی ورزد، نسبت به مذهبش گناهی انجام داده است (همان: ۴۵۸، ۴۵۹) بطور کلی می‌توان گفت که: روحیه مسلط بر جهان تشیع، تا آنجا که پاسخ بدان با اندیشه امامت پیوند نداشت، خیلی به روحیه معتزله نزدیک می‌بود (همان: ۴۸۴، ۴۸۵).

فرق‌هایی که بتوانند میان دو مذهب سنی و شیعی را جدا سازند، جز در چند مورد مربوط به شکل پرستش‌ها و معاملات از قوانین اسلام، چیزی که با مسایل اساسی برخورد داشته باشد، وجود ندارد. سنیان، شیعیان را نه برای فتواهایشان که در فقه دارند منحرف از راه سنت می‌شمردند و نه به سبب مسایل اعتقادی که دارند، بلکه تنها برای سرپیچی ایشان از قانون اساسی‌ای است که سنیان برقرار کرده بودند (همان: ۴۸۸، ۴۸۷). بد نیست به برخی ادعاهای واهی درباره طبیعت شیعی‌گری که تا امروز نیز می‌بینیم، پایان دهیم:

الف: قرآن بی‌حدیث: اندیشه‌های نادرست که می‌پندارند فرق اساسی میان سنی و شیعه در همین است که شیعه تنها به قرآن تکیه می‌دارد و حدیث را رد می‌کند (همان: ۴۹۲)
 ب: ریشه آریایی تشیع: خطای دیگر آنکه گویند: تشیع در زایش و پرورش خود نمودار تغییراتی است که اندیشه‌های ملل آریایی پس از پذیرفتن اسلام یا سر فرود آوردن در برابر زور آن، بر آن وارد نموده‌اند (همان: ۴۹۴)

ج: روحیه آزادی‌خواهانه تشیع: پنداری که می‌گویند «تشیع واکنش روحیه آزادی‌خواهانه، برای مقاومت در برابر جمود و خشکی سامی‌گرایی می‌باشد. اما حتی یک تن از کسانی که با احکام فقه شیعی آشنا باشد، این سخن را نپذیرفته و دنبال نکرده است (همان: ۴۹۵، ۴۹۶).

چون در نظر گیریم که بهترین درجه‌سنج اندیشه‌های مذهبی از نظر تساهل و تسامح، همانا رفتاری است که دارندگانش نسبت به افراد ملت‌های دیگر دارند، پس باید تشیع را در درجه پایین‌تر از تسنن جا دهیم. اصول و قواعدی که سنیان برای تعیین صحت و سقم احکام از نظر مذهبی نهاده بودند، در چشم شیعه چندان ارزشی برای علوم مذهبی در بر نمی‌دارند. مثلاً، اجماع را تا مرز یک فرمول پوچ پایین آورده‌اند (همان: ۴۷۳، ۴۷۲). مخالفت خشم‌آلود با هر کوششی که شان پیامبر را در غیر از آنچه ببیند که کاملاً

منحصر به شخص اوست و به عنوان تأثیری متداوم در نسل او می‌باشد، تفاوت اصلی میان آموزه‌های ارتدوکسی و آن فرقه‌هایی است که بر پایه اصول علوی می‌باشند (Goldziher, 1971: 103).

۴. تأثیر ایرانی‌گری بر اسلام

گلدزیهر می‌نویسد: «اسلام نمی‌تواند رسالتی جاوید باشد و آنچه به عنوان اسلام مطرح است، دستاوردهای پیامبر و برداشتهایی است که در طول تاریخ توسط علمای اسلامی عرضه شده است. تمدن اسلامی نوعی هلینیزم [یونانی‌گری] آمیخته با افکار و نظریات سیاسی ایرانیان و آرای فلسفی هندی - نوافلاطونی است.» (شیخ مونسی ۱۳۸۹: ۵۸).

گلدزیهر می‌گوید: «مسلمین زمانی که سرزمینها را فتح کردند همان قوانین و سنتهایی را که در آن اماکن وجود داشت - پس از تغییر و تصرفی و با افزودن رنگ دینی - اجرا کردند و آن گاه از همان قوانین و سنن احادیث شریفی ساختند و آنها را به پیامبر خود نسبت دادند!» این معنی تطور فقهی بنا بر زعم و نظر این مستشرق است و به عبارت دیگر تطور فقهی - به زعم او - توطئه هزاران نفر برای جعل و تزویر ده‌ها هزار حدیث و نسبت دادن آن به پیامبر (ص) است (غزالی مصری ۱۳۶۳: ۸۴). در حالی که ما خود را با تحول اسلام به سبب نیروهای داخلی مشغول می‌کنیم، در همان زمان توجه خود را به تأثیرات خارجی معطوف می‌کنیم که اهمیتی تعیین‌کننده بر شکل‌گیری و توسعه اسلام داشتند. تا به حال توجهات کمی معطوف شده است به یکی از مهمترین عناصر در پیشرفت مذهبی اسلام: عنصر ایرانی. این عنصر تحت شکل دوگانه اقتباس و واکنش، تأثیری تعیین‌کننده بر شکل‌گیری کاراکتر اسلام داشته است. نفوذ ایرانی‌گری بر اسلام از اولین سوالاتی است که خود را به هر آن کس که با موضوع پژوهش ما درگیر است، می‌نمایاند (Goldziher, 1912: 164).

سوال عناصر ایرانی پیش از اسلام در سیستم اعتقادی اولیه اسلام، مبحثی نیست که غالباً بدان پرداخته شود. در حقیقت به تجربه من، محققان دین قدیم ایرانی اغلب علاقه کمی به اسلام دارند. نظر به اینکه پژوهشگران اسلام اغلب ناخرسندند از این تصور که اسلام ایده‌هایی از مذهب ایرانی اقتباس کرده است. هرچند این حقیقت که عناصر مشخصی - بطور مشهود - از مذهب ایرانی، به نظر می‌رسد که اجازه تحقیقی گسترده در این زمینه را می‌دهند. گلدزیهر علاقه‌ای در خود دید درباره آنچه که «پارسیزم» می‌نامید، یعنی

مذهب پارسیان یا زردشتیگری. در حالی که محققان معاصر (یعنی تا پایان قرن ۱۹) گرایشی بسیار انتقادی‌تر را به سوی «داخلی»، مسلمانان، سنت توسعه داده بودند و بطور خودکار اظهارات آن را - به عنوان موثق - مسلم فرض نمی‌کردند. اما گلدزیهر خاطر نشان می‌کند و ادامه می‌دهد، پژوهشگری مسلمانان باید همچنین منبعی دیگر برای فهم پیدایش اسلام را تحت بررسی آورد (Skjaervo, 2005: 245) این منبع دیگر که گلدزیهر «خارجی» می‌نامد - در برابر نیروهای داخلی - یعنی «تاثیرات خارجی» است. توسط اینها او نه تنها «المانهای عمومی» را درک می‌کند - که می‌تواند شامل ایده‌های پیش از اسلامی باشد - بلکه همچنین آنچه را که شکل‌گیری متعارف یا «جهانی» می‌نامد را نیز درمی‌یابد. گلدزیهر سپس به تاثیرات پارسی بر اسلام توجه می‌کند که - چنان که او آن را در دو شکل «اقتباس» و «انعکاس» طرح می‌کند - تاثیری قطعی داشت بر شکل‌گیری و کاراکتر اسلام. او ادامه می‌دهد که قطعاً لازم است بر هر اسلام‌شناسی که دریافتی خوب از مذهب اسلام و هم دین پارسی داشته باشد تا بتواند اولی را درک کند. او می‌گوید که تماس با فرهنگ پارسی - که به دورترین دوره اسلام برمی‌گردد - بود که جهت و پایان توسعه حیات فکری اعراب را تعیین کرد. من شک دارم که کسی امروز این ادعای جامع را تصدیق کند. به ویژه از نظر من، باید بر این تاکید کنم که ایرانیان خود کاملاً عاری از هر آگاهی تاریخی - به معنی مدرن کلمه - بودند (Skjaervo, 2005: 246).

متعاقب بحث او درباره تسلط بر عراق - مرکز اداری و مذهبی پادشاهی ساسانی - سقوط امویان، و قدرت یافتن عباسیان، گلدزیهر تاکید می‌کند بر تاثیر آنچه که ما امروز تاثیر زیرلایه‌ای مذهب پارسی بر اسلام می‌نامیم. هرچند او به ندرت مثالهایی نقل می‌کند، پس مشکل است که اظهارات او را - که چنانچه گفتم بسیار کلی هستند - مورد مقایسه قرار دهیم (Skjaervo, 2005: 247). هرچند جسورانه‌ترین فرضیه گلدزیهر شاید آن است که پیامبر خود - که بطور واضح با اندیشه‌های یهودی و مسیحی آشنا بود - می‌تواند آشنایی‌ای هم با ایده‌های پارسی داشته باشد. در حقیقت «مجوس» در قرآن علاوه بر یهود، صابی و مسیحی ذکر شده است. گلدزیهر نشان می‌دهد که چگونه تاریخ این دروه - خاصه تجارت - به دقت «مکه» و خاصه «حیره» را به فرهنگ پارسی متصل کرد (Skjaervo, 2005: 249).

۵. امام شیعی از دیدگاه گلذیهر

شیعیان مخالف نخست به مساله جانشینی پرداخته گفتند: یگانه رهبر قانونی مسلمانان از نظر دینی و دنیایی «امام» است که خدا پیشوایی را بدو داده است، نه هرکس که بر کرسی نشسته و قدرت را از راه انتخاب مسلمانان بدست آورد است. ایشان ترجیح می‌دادند که بزرگ فرماندار را، که در هر عصر از وی پیروی می‌کردند و از خاندان پیغمبر بود، به لقب «امام» بخوانند. (Goldziher, 1981, pp. 176-7)

شیعیان گفتند: پیغمبر دانشهایی را که از دیگران به علت ناشایستگی پنهان داشته بود به علی [ع] سپرد. این علوم را خاندان علوی به ارث برده‌اند. نیز: پیغمبر علی را آشکارا به جانشینی خویش در رهبری ملت و حکومت و پیشبرد کارهایشان برگزیده است. جانشینان قانونی علی که به عنوان امامت حق فرمانروایی و ولایت امور و دانش و صفات اخلاقی او را ارث می‌برند، تنها فرزندان تنی علی، از همسرش فاطمه و نوادگانشان، یعنی دو نواده پیغمبر حسن و سپس حسین و دیگر امامان علوی می‌باشند. هر امام از آنان وصی پیشین خویش است که به تعیین صریح او بنابر ترتیبی که خدا مقرر داشته برای انجام وظیفه نامزد شده‌اند. تفسیر شیعیانه قرآن توانسته است با بکار بردن حداکثر تاویل تحمیلی، چند آیه که موید چنین سیستم باشد بیابد. -ibid, 189- (92,217).

محور باورهای شیعی روی اندیشه امامان می‌چرخد. شیعه بر ارکان پنج‌گانه اسلام، رکن ششمی افزوده‌اند که آن «ولایت» است، یعنی زیر پرچم امامان زیستن و این مستلزم دشمنی با دشمنانشان نیز هست (گلذیهر ۱۳۵۷ ج ۲: ۴۶۰ و ۴۵۹)

امام شیعه در اثر داشتن صفتهای خداداد و ویژه‌ای که دارد در نظر شیعیان، هدایتگر مسلمانان و فقیه ایشان و وارث علم پیغمبر است. صفتهای ابرمردمی او را از سطح بشر والاتر می‌سازد و این والایی را نه تنها از راه کسب مراتب عالی بدست آورده است، بلکه در نتیجه خاصیتی ذاتی که در خمیرمایه او نهفته است، سزاوار آن می‌باشد (همان: ۴۶۱ و ۴۶۲). شیعه، خودشان هم، دارندگان بعضی باورها را «زیاده-روان» یا «غلات» می‌نامیدند. پیدایش ایشان به روزگار آغاز اسلام می‌رسد، آنگاه که تازه برای طرفداری از خاندان علوی دسته‌بندی سیاسی پدید می‌آمد. از زیاده‌روی‌های شیعه که انتقاد علمی می‌تواند آنرا هم‌تراز اندیشه امامت نهد و شیعیان میانه‌رو نیز بدان باور دارند، اندیشه عصمت امامان و خطاناپذیری ایشان از عیب و گناه است (همان: ۴۶۶).

صفتی که شیعیان برای روان امامان خویش قائل می‌شدند، ایشان را از سطح آدم معمولی خیلی بالاتر می‌برد. از آموزش‌های شیعه است که خبر و گفتارهایی که طبق روایت موکد از امام رسیده باشد، برای بدست آوردن یقین، وسیله‌ای استوارتر از درک مستقیم حسی می‌باشد. این امامان اضافه بر علم همگانی که در دسترس همگی مسلمانان است، دانشی درونی دارند که یکی پس از دیگری آنرا به ارث برند. (همان: ۴۷۰ و ۴۷۱)

در نخستین دوران اسلام که ایدئولوژی‌ها هنوز در حال رشد و شکل‌گرفتن بود، شیعه در تعیین اشخاص امام با یکدیگر هم‌رای نبودند. سپس در کادر فاطمیان نیز گروه‌های مختلف از شیعیان علی اشخاص گوناگونی را به امامت می‌شناختند. رایج‌ترین لیست موجود از امامان که تا به امروز مورد قبول اکثریت شیعه می‌باشد، لیست گروه دوازده امامیان است (همان: ۴۷۳ و ۴۷۴). امامت از بزرگترین اصول ایمانی عقاید شیعه و جداکننده آن از عقاید سنی است (همان: ۴۸۴).

۶. مهدویت در آیین تشیع

مهدویت بیشتر به عنوان آموزه‌ای شیعی در فرهنگ اسلامی-ایرانی، نقش و جایگاه مهمی دارد (اسفندیار ۱۳۹۱-چکیده). اما «گلدزیهر» در این باره چنان اظهار می‌نماید که حتی از آن همه شکست که بر شیعیان وارد آمد، باز هم ایشان به مبارزه و مخالفت با سازمانهای سیاسی اسلام که بوسیله اجماع برقرار شده بود، ادامه می‌دادند، اما کمتر می‌شد که بتوانند پرچم نامزد خویش را برای امامت بلند کنند. لذا عادت کرده بودند که همیشه در زندگی به آینده امید بندند، که روزی خدا تغییری عادلانه در اوضاع سیاسی بدهد، پس ناچار در ظاهر، برای حکومت‌ها سرفروید آوردند اما در پشت پرده با امام زمان خود وفادار بودند و برای پیروزی مخفیانه تبلیغ می‌کردند (گلدزیهر ۱۳۵۷ ج ۲: ۴۵). امام زمان به موجب حق الهی و با صفت «عصمت» متافیزیک، که خدا بدو داده، مامور راهنمایی و آموزش جامعه مسلمانان، در همه شئون مذهبی می‌باشد و این نتیجه حتمی عدالت الهی است، یعنی، خدا هیچ نسلی از مردم را نباید از رهبری محروم سازد (Goldziher, 1981. p198-202).

«گلدزیهر» چنین می‌افزاید که این «محمد» پیش از سن هشت سالگی پنهان شده و در آخر زمان آشکار خواهد شد و جهان را آزاد خواهد کرد. گروه‌های گوناگون شیعی باور خویش را درباره جاودانگی امامی که او را «خاتم‌الائم» شمردند، بر زمینه حدیثهای

ساختگی استوار کرده‌اند که موید این عقیده ایشان است. پس بازگشت، نزد همه گروه‌های شیعی، از عناصر اساسی اندیشه‌های امامت به‌شمار می‌آید، و اختلافی در میان گروه‌ها نیست جز در تعیین شخص امام پنهانی که می‌بایستی بازگردد (گل‌دزیهر ۱۳۵۷ ج ۲: ۴۷۴ و ۴۷۵).

بسیاری از فقیهان و صوفیان یهود نیز کوشیده‌اند تا با حسابهای تاویلی مخصوص، وقت ظهور مهدی خود را تعیین کنند، برخی صوفیان و شیعه در اسلام نیز همین راه را رفته‌اند. اما رهبران میانه‌رو شیعه از همان آغاز به وقت‌یابان تاخته‌اند (همان: ۴۷۸). باری بر اندیشه‌های مهدی‌گری که اصلش ریشه‌های یهودی و مسیحی دارد، برخی ویژگی‌های زردشتی «سوشیانت» نیز افزوده گشت، چنانکه خیال‌بافی‌های بلندپروازانه بیکاران، که با گذشت روزگار، افسانه‌های هنرمندانه‌ای، برای مهدی نقاشی کرده بودند، نیز بدان‌ها پیوست. حدیث نیز در موضوع این باور، که گفتگوی مسلمانان در آن به درازا کشیده بود، داخل شد (همان: ۴۸۰).

این عقیده در همه ادوار تاریخ اسلام توانست وسیله‌ای برای توجیه آشوب و شورش گردد که انقلابیان سیاسی و مذهبی آتش آن را برای واژگون کردن رژیم‌های موجود برمی‌افروختند. چون کنه تشیع را درک کردیم، می‌فهمیم که بخش شیعی از اسلام، یگانه محیط طبیعی مناسب برای رشد هسته امیدهای مهدی‌گری است (همان: ۴۸۱). نزد شیعه، ایمان و انتظار ظهور مهدی در آینده، زیربنای عقاید شیعه را تشکیل می‌دهد (همان: ۴۸۲). علمای گرانمایه‌تر و جدی شیعه بسیار کوشیده‌اند که در برابر تمسخر سنیان، عمر دراز امام پنهان و غیرطبیعی بودن آن را، ممکن‌الوقوع نشان دهند (همان: ۴۸۳). از دیدگاه شیعیان قرآن بهترین نمونه‌ای است که نظریات آنان را در مورد امامت و ظهور امام غایب که در آینده ظهور می‌کند، توجیه و تبیین می‌کند. از این جهت مفسر شیعی سخت در پی آن است تا عقاید خود را به وسیله قرآن به اثبات برساند (همان: ۲۸۵). شیعیان می‌گویند: اعتراف به امام زمان چه آشکارا باشد و چه در پنهان برایش دعوت شود، شرطی از شرایط ایمان است که دست کمی از ایمان به یگانگی خدا و پیغمبری محمد ندارد (همان: ۴۵۹).

۷. نتیجه‌گیری

ایگناز گلدزیهر به‌عنوان یک شخصیت برجسته علمی شرق شناس و اسلام شناس و به طور خاص، شیعه پژوه و بنیانگذار رشته‌ای علمی، در پژوهش در بسیاری از جنبه‌های اسلام پیشگام بوده است که برآیند تلاش ایشان در مطالعات گسترده نسخ خطی می‌باشد. از زاویه ای دیگر حاصل تلاشهای علمی کسانی چون وی را می‌توان تکامل شرق‌شناسی در مسیر خود دانست. به هر روی ایشان در داده‌های خود به انشعابات دنیای اسلام خاصه تفرقه میان شیعه و اهل سنت و تاکید شیعیان بر انتصاب امام بجای خلیفه و طرح مباحث دوگانه آموزه‌های تدافعی چون تقیه و تبری و نزدیکی شیعه با مبانی معتزله اصرار می‌ورزد. در ادامه دیدگاه وی بر امام شناسی خاص شیعیان، بحث وراثت علی از پیامبر، تداوم امامت از نسل علی، دانش درونی امامان و باورمندی شیعیان در راستای بحث ولایت پذیری تاکید می‌کند. ایشان هر چند از غالیان به‌عنوان گروه مطرود یاد کرده لکن فهرست امامان دوازده امامی را مورد قبول اکثریت شیعه می‌داند و معتقد است که اصول ایمانی شیعه آنها را از اهل سنت جدا می‌کند. در بحث مهدویت نیز شیعیان را امیدواران به آینده در راستای تبلیغ مخفیانه برای پیروزی برمی‌شمرد. گلدزیهر ضمن آنکه بهره‌وری اسلام از مناطق جدید جغرافیایی خاصه هلنیزم و ایران‌گرایی و حتی آشنایی پیامبر با تاکید قرآنی علاوه بر ادیان (یهودی، صابی، مسیحی) مجوس را متذکر می‌گردد، معتقد به تاثیر یهودیت و مسیحیت بر اسلام نخستین و نیز نفوذ تاثیرات خارجی بر تحول مذهبی اسلام است. هر چند اهمیت نفوذ اندیشه‌های ایرانیان را در تحولات اسلامی و هسته اولیه تشیع و گزینش قوانین در اشارات محققان اسلامی و ایرانی هم یافت می‌شود. بنابراین جادارد در داوری درباره قضاوت‌های گلدزیهر فاصله فرهنگی شرق و غرب و اهداف گوناگون دیگر آنها را نیز در استنتاج‌هایشان مورد توجه قرار داد و درباره محیط زمانی و مکانی ایشان در ۱۵۰ سال پیش و ریشه‌های فرهنگی غربی و یهودی وی را لحاظ کرد. به نظر می‌رسد نوع قضاوت وی در مجموع ایجاد شبهات می‌نماید و دیدگاه ضد شیعی خاص، بدفهمی در درک مفاهیم شیعی و تناقضات در استنتاج‌ها - شاید بدلیل عدم حضور در مراکز دینی تشیع - و استفاده از منابع غیر شیعی و غیر موثق جزء لاینفک این گونه محققان باشد. به علاوه باید قضاوت‌های او را در چارچوب روش تاریخی بکار رفته توسط خود وی در نظر گرفت نباید انتظار پژوهش فردی با جهان‌بینی شیعی و روش‌های مورد استفاده علمای شیعه را از گلدزیهر داشت.

پی‌نوشت

۱ چاپ مکاتبات بین «گلدزیهر» و «نولدکه» (Simon, 1986: 160).

کتاب‌نامه

- احمدی‌فر، مصطفی (۱۳۸۹). بررسی رویکردهای ایگناس گلدزیهر پیرامون روایت سبعة احرف. کوثر، نیم‌فصل دوم تابستان ۳۵، ۹۴-۱۰۹.
- اسفندیار، محمودرضا (۱۳۹۱). نگاهی گذرا به سیر تاریخی مهدویت در تصوف. فصلنامه ادبیات عرفایی و اسطوره‌شناختی، پاییز ۲۸.
- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۳). گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه. آینه پژوهش، مرداد و شهریور ۸۷، ۶۳-۸۲.
- پورطباطبایی، سید مجید (۱۳۸۶). قرآن پژوهی گلدزیهر. قرآن پژوهی خاورشناسان، بهار و تابستان ۲، ۱۹۳-۲۳۴.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۵). نقد تاریخی دیدگاه گلدزیهر درباره آگاهی پیامبر از جاودانگی و جهان-شمولی اسلام. تاریخ در آینه پژوهش، پاییز ۱۱، ۶۳-۸۲.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۹۲). توصیف و تبیین یهودی‌سازی تاریخ اسلام (با تأکید بر دایره‌المعارف اسلام). فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال هفدهم، تابستان ۵۵.
- حیدری، علیرضا (۱۳۷۸). دیدگاه حدیثی گلدزیهر از منظر دانشوران اسلامی و مستشرقان. مشکوه، زمستان ۱۰۱، ۴۳-۵۸.
- زمانی محمد حسن، ۱۳۸۵، نقد و بررسی آرای مستشرقان در باره قرآن، بوستان کتاب، قم، شیخ‌مونس، نیره‌اعظم (۱۳۸۹). قرآن و خاورشناسان نقدی بر آرا و اندیشه‌های ایگناس گلدزیهر درباره قرآن. رشد آموزش معارف اسلامی، تابستان ۴، دوره بیست‌ودوم، ۵۵-۵۹.
- شینی‌میرزا، سهیلا (۱۳۸۵). مستشرقان و حدیث نقد و بررسی دیدگاههای گلدزیهر و شناخت. تهران: هستی‌نما.
- صادقی، تقی (۱۳۷۷). پیشینه رویکرد خاورشناسان به قرآن و تحلیل آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- غزالی مصری، محمد (۱۳۶۳). محاکمه گلدزیهر صهیونیست (ترجمه صدر بلاغی). حسینیه ارشاد.
- کاظمی، شهاب (۱۳۹۲). نقد و بررسی دیدگاههای گلدزیهر پیرامون سبک تفسیری شیعه. قرآن پژوهی خاورشناسان، بهار و تابستان ۱۴، ۳۳-۵۰.
- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۵۷). درسهایی درباره اسلام ج ۲ و ۱ (ترجمه علی‌نقی منزوی). کمانگیر.
- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳). گرایشهای تفسیری در میان مسلمانان (ترجمه سید ناصر طباطبایی). ققنوس.

۲۴۴ پژوهش‌های علم و دین، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ماسینیون، لوی (۱۳۵۷). به یاد ایگناس گلدزیهر (ترجمه حسن رضوی). کاوه (مونیخ) پاییز ۶۹، ۱۵-۱۳.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۶۵). غزالی و اسماعیلیان: مروری بر «فضائح الباطنیه»/ایران‌نامه، تابستان ۱۶، ۶۷۸-۶۱۶.

مختاری‌کیا، الهه (۱۳۷۸). ترجمه و نقد بررسی «مذاهب التفسیر الاسلامی» «التفسیر بالاثور» ص ۱۲۰-۷۳ «التفسیر فی ضوء الفرق الدینیة» ص ۳۱۳-۲۸۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.

مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). درآمدی بر مطالعات حدیثی خاورشناسان. علوم حدیث، تابستان ۲۸، ۱۹-۰۲ نوری، محمد (۱۳۷۸). خاورشناسان و فرقه‌شناسی. هفت آسمان، بهار ۱، ۲۰۰-۱۷۴.

وات، ویلیام مونتگمری (۱۳۷۰). فلسفه و کلام اسلامی (ترجمه ابوالفضل عزتی). انتشارات علمی و فرهنگی.

الهی‌منش، رضا (۱۳۸۶). افکار نوافلاطونی و گنوسی در حدیث. هفت آسمان، زمستان ۳۶.

Amsterdam : John Benjamins publishing company.

Apor ,Eva (editor). (2005). Goldziher memorial conference. Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.

Beeri, Tora (2005). The intriguing fate of a geniza document: Goldziher's contribution to the study of Hebrew poetry in babylonia. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 15-20). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.

Devenyi, Kinga (2005). Information exchange before the internet on law aqsama a lallah la-abarrahu In Goldziher's correspondence. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 21-36). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.

Fodor, Alexander (2005). Goldziher and magic in Islam. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 51-66). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.

Goldziher, Ignaz (1966). A Short History of Classical Arabic Literature (Joseph Desomgyi). Ver lagsbuchad lung: Georg Olms.

Goldziher, Ignaz (1971). *Muslim Studies* (C. R. Barber). London: George Allen & Unwin Ltd.

- Goldziher, Ignaz (1981). Introduction to Islamic Theology and Law (Andras Hamori). Princeton: university press.
- Goldziher, Ignaz (1994.) On the History of Grammar Among the Arabs (Kinga Devenyi).
- Golziher, Ignaz (1912). Influence of Parsism on Islam (G. K. Nariman). Bombay: The Parsi publishing Co.
- Hidvegi, mate (2005). Immanuel Low's reflections on ((the essence and evolution of Judaism)) in his letters to Ignaz Goldziher in 1888. In (pp 51-83). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Hopkins, Simon (2005.) The Language Studies of Ignaz Goldziher, In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 83-?). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Larsson ,Goran (2005). Ignaz Goldziher on the Shu'ubiyaa movement. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 151-158). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Ormos Istvan (2005). The Correspondence of Ignaz Goldziher and Max Herz. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 159-203). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Ormos, Istvan (2005). Goldziher's mother tongue a contribution to the study of the lauguage situation in Hungary in the nineteenth century. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 203-244). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Simon, Robert (1986.) Ignac Goldziher His Life and Scholarship as Reflected in His Works and Correspondence. Budapest: Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Skjaervo, P. Oktor (2005). Goldziher and Iranian elements in Islam In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 245-250). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.

- Strohmaier ,Gotthard (2005) 'Ulum al-awa'il and orthodoxy: a famous monograph of Goldziher revisited. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 251-254). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Szombathy, Zoltan (2005). Some notes on the impact of the Shu'ubiyya on Arabic genealogy. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 255-270). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Takacs, Gabor (2005). ((sun)) and ((moon)) in semitic and Egyption in an Afro-Asiatic context. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 271-301). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.
- Van Ess, Josef (2005). Goldziher as a contemporary of Islamic reform. In Eva Apor (editor), Goldziher Memorial Conference (pp 37-50). Budapest: Oriental Collection Library of the Hungarian Academy of Sciences.